

بررسی ساختاری و محتوایی قصیده «نغمات الاشواق» محمدرضا حکیمی*

دکتر صابره سیاوشی**

سمیه شکوهی***

چکیده

ادبیات و زبان شعر از آغاز به عنوان ابزاری در اختیار جریان‌های سیاسی و اعتقادی بوده است. در همین راستا ستیزه‌ها و انقلاب‌های شیعیان در عصر اموی و عباسی در گسترش و تقویت ادب شیعه به ویژه در حوزه شعر نقش مهمی ایفا کرده است. تاکنون شاعران شیعه بی‌شماری پیرامون حادثه عاشورا و در مدح ائمه قلم فرسایی کرده‌اند که از میان آنها می‌توان به محمدرضا حکیمی اشاره کرد. او چند قصیده به زبان عربی سروده است که مهم‌ترین آنها «نغمات الاشواق» نام دارد. حکیمی در این قصیده به مدح ائمه اطهار، به ویژه امام رضا (ع) می‌پردازد و در خلال مدح خود، نظام سیاسی - اجتماعی اسلام را به خواننده باز می‌شناساند. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جنبه‌های ساختاری و محتوایی قصیده مذکور می‌پردازد. شاعر در این قصیده افکار و عناصر خیال را در راستای هدف شعری خود که بیان حقانیت ائمه و مدح ایشان است، به کار می‌گیرد. این قصیده از وحدت موضوع و انسجام اندیشه برخوردار است و شاعر در آن با به کارگیری ترفندهایی از قبیل انسجام دستوری و واژگانی بر یکپارچگی متن افزوده است. کلید واژه‌ها: محمدرضا حکیمی، نغمات الاشواق، ائمه اطهار(ع)، تحلیل ساختاری، تحلیل محتوایی.

* - تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۷

** استادیار گروه عربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. saberehsivashi@yahoo.com.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- مقدمه

اگر بپذیریم ادبیات هر قوم و سرزمین آئینه افکار و گرایش‌های آن است، می‌توان نتیجه گرفت که اعتقاد و فرهنگ مکتب شیعه نیز در آئینه‌ی ادبیات آیینی شاعران آن متجلی است. یکی از عناصری که در تحلیل شعر شیعی به آن برمی‌خوریم عنصر التزام و تعهد است. این تعهد یکی از ملاک‌های ارزشمندی شعر شیعی است و نباید از آن غافل شد. شاعر متعهد شیعه موضع خود را پیرامون اهل بیت و حق مسلم ایشان در رهبری و هدایت سیاسی - مذهبی امت اسلامی به روشنی بیان می‌دارد. از دیگر سوی به جهت وجود مرقد امام رضا (ع) در ایران و ارادت خاص مردم این سرزمین به ایشان، شاعران پارسی‌گوی بسیاری در مدح حضرت سخن گفته‌اند که از جمله آنها می‌توان محمدرضا حکیمی را در دوره‌ی معاصر نام برد. حکیمی در چکامه‌ی «نغمات الأشواق» دو عنصر هنر و التزام را در هم آمیخته است.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۲

بررسی ساختاری و
محتوایی قصیده «نغمات
الأشواق» محمدرضا حکیمی

محمدرضا حکیمی یکی از شاعران متعهد ایرانی است که از او به عنوان یک نویسنده و فیلسوف بزرگ یاد می‌شود. مطالعات گسترده و اندیشه شیعی حکیمی، سبب شده است که شعر او از نظر معانی و ساختار، غنی و جاودان گردد. او از کودکی با فرهنگ قرآنی و شیعی آشنا شده و این فرهنگ در آثار او جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. وی از شیفتگان فرهنگ علوی به حساب می‌آید و این شیدایی در آثار عربی و فارسی او به زیبایی جلوه‌گر است. در شعر حکیمی، علاوه بر موارد مذکور، رموز، مفاهیم و افکار ایرانی نیز جلوه‌ای ویژه دارد. بیشتر مطالبی که وی در آثار خود به تبیین آنها می‌پردازد، از قرآن، حدیث و گفتار عرفا مایه می‌گیرد. حکیمی شش قصیده به زبان عربی سروده است که این قصائد در کتاب «ساحل خورشید» به چاپ رسیده است. او را می‌توان یکی از شاعران برجسته در حوزه

ادبیات دینی نامید. درحقیقت اختصاص بخش قابل توجهی از قصیده «نغمات الاشواق» به مدح امام رضا (ع) نشان از دل بستگی و عشق او به ائمه اطهار، به ویژه آن حضرت دارد.

حکیمی شاعری فارسی زبان است که به غیر از زبان مادری خود به زبان عربی نیز شعر می‌سراید. این قصائد که «بدیعیه»، «استادیه»، «تفکیکیه»، «مطرائیه»، «المنطق المنظوم» و «نغمات الاشواق» نام دارند، به دست خود حکیمی به فارسی ترجمه شده است، اما در زمینه تحلیل آنها تاکنون به صورت جدی کاری صورت نگرفته است و تا جایی که نگارندگان جستجو کرده‌اند، این پژوهش بکر به شمار می‌آید. در این مقاله قصیده‌ی «نغمات الاشواق» از لحاظ ساختاری و محتوایی بررسی شده و جنبه‌های گوناگون بلاغی آن همچون معانی، بیان، بدیع و نیز محتوای قصیده مورد بررسی قرار می‌گیرد و در این راستا به سوالات زیر پاسخ داده می‌شود:



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۳

بررسی ساختاری و
محتوایی قصیده «نغمات
الاشواق» محمدرضا حکیمی

- مضامین اصلی قصیده «نغمات الاشواق» کدام است؟

- صور خیال تا چه اندازه در این قصیده ظهور یافته است؟

- صنایع لفظی و معنوی موجود در این قصیده کدام است و کدام یک از بیشترین

بسامد برخوردار است؟

۲- زندگی‌نامه محمدرضا حکیمی

محمدرضا حکیمی در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۱۴ شمسی در مشهد به دنیا آمد. پدرش عبدالوهاب که از یزد به مشهد مهاجرت کرده بود، از معتمدین بازار مشهد بشمار می‌آمد. حکیمی در سال ۱۳۲۰ تحصیلات خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۶ در حوزه علمیه خراسان به تحصیلات حوزوی مشغول شد و بیست سال از عمر

خود را در حوزه گذراند. اودر این مدت به تحصیل دروس مقدمات، سطح خارج، فلسفه، ادبیات عرب، نجوم، تقویم و ... پرداخت. از استادان وی می‌توان محمدتقی ادیب نیشابوری را نام برد. مهمترین آثار او که در شناساندن اسلام و دستورات فردی و اجتماعی آن به نگارش درآمده است عبارتند از: «کلام جاودانه»، «خورشید مغرب»، «امام در عینیت‌جامعه»، «مرام جاودانه»، «جامعه‌سازی قرآن»، «پیام جاودانه» و «ادبیات و تعهد در اسلام». (اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۲۸)

۳- سیر تحول مدح ائمه در تاریخ

ایران سرزمین ارادت‌های بی‌پایان به ائمه است که از میان نام‌های جلیل ایشان، نام علی بن موسی الرضا(ع) همواره در مرتبه‌ای عزیز از این اسما مبارک جای دارد. در تورق تاریخ سراسر ارادت مردم این سرزمین به محضر مبارک امام هشتم شاهد شکل‌گیری نوعی فرهنگ مردمی هستیم که «همواره وقایع و حوادث این دوران را با شگفتی تمام با باورهای بومی و گاه تخیلات اسطوره‌ای درآمیخته و از آن‌ها رفتارهای اجتماعی و آداب معرفتی نوین استحصال کرده است». (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۸: ۱۵) این درحالی است که در جهان اسلام و از آغاز دوران اسلامی تحولی عمیق در محتوای اشعار و انگیزه‌های شاعران پدید آمده است.

مدایح و هجوهای شاعرانی که به نهضت اسلامی محمد(ص) پیوسته بودند، با انگیزه‌های بلند دینی و معنوی آمیخته بود. شاعر در صدر اسلام در خیال‌پردازی‌های خود عناصر و نمادهای طبیعی را در خدمت باورهای اسلامی و اعتقادی قرار می‌دهد (همان: ۱۷) و بدین‌سان نوعی حماسه اسلامی - نبوی شکل می‌گیرد. پس از رحلت پیامبر شعر دوره خلفای راشدین نیز متأثر از حال و هوای سال‌های نخستین



دوفصلنامه ادبیات شیعه

دعوت اسلامی است. «در عصر اموی ادبیات سخت گرفتار قیود و جمود و تقلید می شود زیرا خلفای بنی امیه بار دیگر نزاع ها و کشمکش های قبیله ای را رونق می بخشند. (همان: ۲۳) بدین گونه شعر صدر اسلام که در خدمت اندیشه ها و آرمان های دینی بود، به بوته فراموشی سپرده می شود. با وجود فراموشی ارزش ها و انحرافات و بدعت های فراوان و نیز خفقان و ظلم حاکم در عصر اموی، شاعران شیعه با سروده های دل نشین و آتشین خویش به یاری اهل بیت می پردازند تا آنجا که باید یکی از درخشانترین نمونه های شعر متعهد عربی را مربوط به همین دوران سیاه بنی امیه دانست. یکی از شاعرانی که در این دوران به دفاع و مدح ائمه می پردازد، کمیت بن زید الاسدی است. مراتب اخلاص و ارادت او به تشیع و آل هاشم در قصائد هشت گانه «هاشمیات» جلوه گر است.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

در دوره عباسیان، شاعران شیعی به عنوان قشر تأثیرگذار در افکار مردم در معرض بیشترین خشونت ها قرار داشتند. (همان: ۵۲) در زمان ولایت عهدی امام رضا(ع)، دعبل از شاعرانی است که با توشه ای گران از شعر و شعور جلای وطن کرده، به خراسان و مرو می رود تا چکامه جاودانه اش را در پیشگاه پیشوایش، امام رضا (ع)، بخواند. از آن زمان تاکنون شاعران بسیاری در مدح ائمه قلم فرسائی کرده اند اما همان گونه که اشاره شد، مدح امام رضا در میان شاعران ایران زمین از جایگاه ویژه ای برخوردار است. یکی از این شاعران محمد رضا حکیمی است که این مقاله به تحلیل شعر او می پردازد.

۴- تحلیل ساختاری نغمات الاشواق

اشعار عربی حکیمی در سال ۱۳۹۱ شمسی در کتابی به نام «ساحل خورشید» به چاپ رسیده است. او در این کتاب برخی از این اشعار را به فارسی ترجمه کرده

و در اختیار علاقمندان قرار داده است. این مجموعه چهار قصیده عربی را در خود جای داده که گواه اندیشه‌های حکیمانه و شاعرانه حکیمی است. از بین این چهار قصیده، قصیده «نعمات الاشواق» به مدح امام رضا(ع) اختصاص دارد و همان‌گونه که ذکر شد، این مقاله به بررسی ساختاری و محتوایی چکامه‌ی مذکور می‌پردازد.

۴-۱ ارکان قصیده

الف) مطلع: شروع قصیده حتماً باید مصرع باشد. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۰) در این قصیده نیز شاعر شعر خود را با بیتی مصرع در وصف طبیعت و به خصوص شب آغاز می‌کند.

«سحراً قد لاح نجمٌ فی الدیاجی ثم غابا فرمائی ناظراً اکشفُ عن ذاک نقابا»^۱

(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۰)

ب) تشبیب: «در اصطلاح شعرا، قسمت پیش درآمد اوائل قصیده است که مقدمه‌ای در ذکر محاسن محبوب و حکایت حال عشق و عاشقی و وصف مناظر طبیعی و در حقیقت پیش آهنگ قصیده و پی‌ریزی و زمینه‌سازی شاعر است برای بیان مقصود». (همایی، ۱۳۷۷: ۹۷) تشبیب در واقع مقدمه قصیده است و بیشتر مخصوص قصائدی است که موضوع آن‌ها مدح و ستایش است.

در این قصیده شاعر از بیت چهارم تا نهم به وصف محبوب و زیبایی‌های او می‌پردازد، سپس در جهت مدح که مقصود اصلی اوست، پیش می‌رود.

«أَوْ قَدْ انْضَمَّ الی عقدِ الثریا راقدین فاذا قد راقنی حسناً جمالُ المشرقین»^۲

(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۰)

^۱ - سحرگاهی، ستاره‌ای در دل تاریکی‌ها درخشید و سپس ناپدید گشت. چگونگی این امر مرا به تکاپو افکند تا پرده از آن بگیرم.
^۲ - یا خود را به خوشه پروین رسانیده است و هردو در گهواره چرخ خفته‌اند؟ در این پیگیری، زیبایی آفاق آسمان مرا شیفته ساخت.



ج) حسن تخلص: آن بخش از قصیده است که شاعر از مقدمه (تشبیب) گریز می‌زند و به موضوع اصلی یعنی مدح و ستایش ممدوح می‌پردازد. (طیبیان، ۱۳۹۲: ۵۱۸)

«نغماتٌ هی فی السَّرِّ شروقُ الفیضان نغماتٌ هی تُحکی حکمة السبع المثانی»^۱.

(همان: ۲۸۱)

۲-۴ شیوه تصویرپردازی

نغمات الاشواق تائیه‌ای است که در ثناگستری امام هشتم شیعیان علی‌ابن موسی الرضا (ع) سروده شده است. آنچه حکیمی را به سرودن این قصیده سوق می‌دهد، محیط معنوی پیرامون اوست. تأثیر این محیط معنوی در ذهن و تخیل شاعر به حدی است که به صورت ناخودآگاه تمایل دارد عشق خود به امام رضا را با تمام جزئیات به تصویر بکشد. عنصر «ولایت مداری» در شعر حکیمی نیرومند است، به همین جهت تسلط او در تصویرسازی این احساس را به مخاطب القا می‌کند که شاعر با خودآگاهی بالایی سخن می‌گوید. او قصیده را با پرسش آغاز می‌کند سپس به تصویرپردازی خیالی می‌پردازد و شب را به زیبایی به تصویر می‌کشد. برای ادیب توانمندی چون حکیمی شب زیباترین آفریده‌ی پروردگار و سوال برانگیزترین آنان است.

«یا ما اذا غابَ نجمی لیتنی أدري الجوابا أم إلی الشرقِ أم القُطینِ قدأبدی الغایبا»^۲
 «أم رای مطلعَ السلمی فاستحی منها قآبا أم شمسُ الحی أضحتْ طالعاتٍ لامعاتٍ»^۳.

(همان: ۲۸۰)

^۱ - نغمه‌هایی که در درون دل، حکایت‌گر درخشش فیض ازلی است، نغمه‌هایی که حکمت نهفته در سوره «حمد» را باز می‌گوید.

^۲ - چرا ستاره من ناپدید گشت؟ کاش پاسخ این پرسش را می‌دانستم. آیا در افق شرق روی نهفت، یا به دامن قطب قطب جنوب، یا قطب شمال افتاد؟

^۳ - یا آنکه طلوع «سلمی» را دید و شرمگین به دوردستی بازگشت؟ یا آن که خورشیدهای فروزان، رخ نمودند و آن ستاره را ناپدید ساختند؟

از دیگر ویژگی‌های تصویرسازی حکیمی تأثیرپذیری او از طبیعت است. عناصر اصلی این قصیده از طبیعت گرفته شده است و از این جهت تازگی بسیار دارد. مهم‌ترین عنصر طبیعی که در قصیده او خودنمایی می‌کند، شب است. شب با زیبایی و شکوه بی‌بدیلش منبع الهام بخش و جلا دهنده‌ی روح و جان ادیب است. شاعر در این قصیده از شب به عنوان عنصر غالب سود می‌برد و چنین گرایشی نشأت گرفته از دیدگاه خاص وی نسبت به شب است. او این زاویه دید را از دوران کودکی خود گرفته است. حکیمی زاده‌ی کویر است و شب کویر عرفانی و الهام بخش است. شاعر شب را تجلی‌گاه ذات الهی می‌داند و از نظر او هستی منشأ نشاط و آسودگی خاطر است، و شب بهترین جلوگاه وجود حق تعالی در گستره هستی است.

«فَأَفْنَيْتُ أَثَرَ النِّجْمِ وَ قَدْ سَرَّحْتُ عَيْنِي كَيْ أُرَى نَجْمِي هَلْ غَابَ وَرَاءَ الْفَرْقَدَيْنِ»^۱

(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۰)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

و همانگونه که ذکر شد، در جایی دیگر نیز چنین می‌گوید:

«أَوْفَىٰ إِثْمَمَ إِلَىٰ عَقْدِ الثَّرِيَا رَاقِدِينَ فَإِذَا قَدْ رَاقَيْتَنِي حَسَنًا جَمَالُ الْمَشْرِقَيْنِ»^۲

(همان: ۲۸۰)

در تصویرپردازی‌های حکیمی عنصر خیال با واقعیت درهم می‌آمیزد که کثرت استفاده از تشبیه، بیانگر این موضوع است. تشبیهات او تصاویر روشن و درخشان و اغلب فراموش ناشدنی به جای می‌نهد. بسیاری از این تصاویر زاده‌ی تأثر شاعر از محیط معنوی پیرامون خویش است. حکیمی از تصاویری استفاده می‌کند که دارای

^۱ - من در جستجوی ستاره، پی آن را گرفتم و نگاه خویش را به دورترین اعماق افکندم تا ببینم آیا ستاره من در پس فرقدین نهان شده است؟

^۲ - یا خود را به خوشه پروین رسانیده است، و هردو در گهواره چرخ خفته‌اند؟ در این پیگیری، زیبایی آفاق آسمان مرا شیفته ساخت.

ارتباط مستقیم عاطفی با مخاطب است و خواننده برای دریافت آن‌ها بار گرانی بر تخیل خود احساس نمی‌کند. تصویر، در این قصیده مدد رسان شاعر در پروراندن اندیشه است به خصوص در بیت:

«نغماتُ هی فی السَّرِّ شروقُ الفیضان نغماتُ هی تُحکی حکمةَ السبعِ المثانی»^۱
(همان: ۲۸۱)

برجسته‌ترین خصوصیت این شعر جنبه تفصیلی تصاویر شعری است؛ بدین معنا که در فضای چند مصرع یک تصویر با تمام جزئیات آن به خوبی ارائه می‌شود.

«لمعاتُ بهَرَ الكونِ من البدوِ سناها وتبدتُ فی ذری الاعلین آیاتُ ضیاهها^۲
وتجلّی فی مریا عالمِ الامرِ اعتلاها سیما حیثُ بدی فی مُبتداهها مُتساهها»^۳
(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۸۲)

در این قصیده، آن گاه که صور خیال گسترش می‌یابد، نوعی هماهنگی میان تصاویر شعری مشاهده می‌شود. چرا که شاعر تجربه شعری خود را در قلمرو عشق و زندگی کسب می‌کند. در ادامه حکیمی از شیوه پرسش‌گری در اثبات عدم حقانیت پسران ابوسفیان و مروانیان کمک می‌گیرد. تصاویر او، چه از مدح و ثناگری حکایت کند و چه لحنی تحقیرآمیز داشته باشد، به شیوه خاص خود او به پختگی رسیده و پرورش یافته است.

زبان شعر

کلمات فاخر و پرطنینی که جنبه خطابی دارد و به قصد برانگیختن احساسات به کار می‌رود، در این شعر به وضوح رویت می‌شود. حکیمی از به کارگیری کلمات

^۱ - نغمه‌هایی که در درون دل، حکایت‌گر درخشش فیض ازلی است، نغمه‌هایی که حکمت نهفته در سوره «حمد» را باز می‌گوید.

^۲ - درخشش‌هایی که فروغ آن از نخست بر همه کائنات چیره گشت و آیات نور آن در قله‌های ملکوت‌اعلی فروغ گسترده.

^۳ - و در آئینه‌های جهان باطن، بلندی و عظمت آن نمودار گردید، به ویژه آن که در آغاز کار نقطه پایان آشکار شد.



پیش پا افتاده دوری می‌جوید، البته تأثیرگذاری او در مخاطب تنها به کاربرد کلمات منحصر نمی‌شود، بلکه به شیوه استفاده و روح کلمات و طراوت فضای شعری و زبان شاعر مرتبط است و بیان او پویا و انعطاف‌پذیر است.

۳-۴ رمز‌گرایی

نماد، رمز و اسطوره را بر روی هم عناصر اصلی بیان در شعر دانسته‌اند. (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۸: ۲۳۶) محور اصلی این قصیده، رمز و نماد است. شب در این شعر رمز است و نمادی از تاریکی‌هایی است که در ابتدای راه رسیدن به هدایت وجود دارد و آن، راهی پرفراز و نشیب به سوی حقیقت دین است. این مسیر راهی است که هزاران خطر پوینده آن را تهدید می‌کند و ستارگان پرفروغ آن ائمه اطهارند که وجودشان به سوی سعادت راهنما است.

«سحراً قد لاح نجمٌ فی الدیاجی ثم غابا فرمائی ناظراً اکشف عن ذاک نقاباً»^۱

(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۰)

رمز دیگری که شاعر در این قصیده استفاده کرده، سلمی^۲ است. سلمی اسطوره‌ی عشقی مبهم و خطابی است که مخاطبش وجود خارجی ندارد و مجازاً به هر معشوقی اطلاق می‌گردد. حکیمی در این قصیده یکی از پرکاربردترین اسطوره‌های شعر عربی را (سلمی) به تقلید از شاعران عرب به کار برده است. البته شاعران فارسی زبان دیگری از قبیل حافظ از این اسطوره در سده‌های پیشین بهره برده‌اند:

«ثم یا طائرُ ما بالک لا تروى جهارا هذِهِ اَحیاءُ سلمی فاملئن تلك المَحاری»^۳

(شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۸۰)

^۱ - سحرگامی، ستاره‌ای در دل تاریکی‌ها درخشید و سپس ناپدید گشت. این امر مرا به تکاپو افکند تا پرده از آن برگیرم.
^۲ - سلمی (سَلْمَا) یا سَلْمِی، نام معشوقه‌ای در عرب و از عرایس شعری است که مجازاً بر هر معشوقی اطلاق می‌شود و در شعر غنایی ایران هم کاملاً شناخته شده است. (یاحقى، ۱۳۸۶: ۴۷۲ و ۴۷۳)
^۳ - اکنون ای مرغ چمن! چرا آشکارا از آنان سخن نمی‌گویی؟ این سراپرده «سلمی» است، تو این دشت‌ها را که گرداگرد خیمه یاران است، از نوای خود آکنده ساز.



۴-۴ ویژگی‌های صوتی

۴-۴-۱ موسیقی

موسیقی از اصوات بی‌معنی شروع می‌شود اما نهایتاً به ترکیبی می‌رسد که می‌توان آن را تفسیر کرد. از ترکیب این اصوات می‌توان برای اطلاع‌رسانی و ارتباط به صورت قراردادی استفاده کرد. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۳۱۸) موسیقی شعری به طور کلی به دو نوع موسیقی داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. موسیقی خارجی در قالب وزن و قافیه نمودار می‌شود. موسیقی داخلی علاوه بر ریتم درونی الفاظ و عبارات که ناشی از حروف تشکیل‌دهنده آن و نیز نحوه چینش آن‌ها در کنار یکدیگر حاصل می‌شود، در صور خیال و محسنات بدیعی نیز جلوه و نمود پیدا می‌کند. (عابدین، ۱۹۹۱: ۱۱) به عبارت دیگر «موسیقی خارجی همان وزن عروضی است براساس کشش هجاها و تکیه‌ها و موسیقی داخلی عبارت است از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و

طنین خاص هر حرفی در مجاورت حرف دیگر». (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۵۱)

از نظر موسیقی خارجی که شامل وزن و قافیه می‌شود، نغمات الاشواق شعری موزون و مقفی است. در حوزه شکل و ترکیب، شعر حکیمی مرکب از حرف‌های آشنا، سنتی و عمیق است.

یکی از عواملی که در شعر ایجاد موسیقی می‌کند، تکرار است، خواه این تکرار در مصوت‌های کوتاه یا بلند باشد و خواه در کلمات و عبارات یک مصرع و یا یک بیت.

فلماذا ارسل الله نبياً و بشيراً؟ هذه اوهام قوم غمطوا الحق غرورا.^۱

(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۶)

^۱ - اگر ممکن است این امر نادیده گرفته شود پس چرا خداوند از نخست پیامبر بفرستد؟ اینها همه سخنان نادرست قومی است که خواستند چهره روشن حق را بپوشانند.



تکرار متوالی مصوت بلند «أ» در این قصیده پدیده‌ای معنادار بوده و بیانگر حیرت شاعر است، چرا که هنگام ادای مصوت «أ» دهان باز می‌ماند و باز ماندن دهان نشان از حالت تعجب دارد. (هلال، ۱۹۸۰: ۹۸) همان گونه که می‌بینیم، این مصوت از بسامد کاربردی بسیار بالایی در «نغمات الاشواق» برخوردار است و حکیمی با استفاده از آن، به صورت عمدی یا سهوی، به خوبی توانسته شگفتی و حیرت خود را در مورد مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی که در این قصیده مد نظر داشته است، نشان دهد.

۴-۲-۴ قافیه

«قافیه حرف یا حروف مشترک معینی است در پایان کلمات قاموسی نامکرر مصراع‌های یک شعر». (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۸: ۹۲) یکی از مهمترین ابعاد اهمیت قافیه جنبه موسیقایی آن است؛ در حقیقت قافیه یکی از جلوه‌های وزن است و یا به عبارت بهتر تکمیل کننده وزن است و موجب آهنگین شدن شعر و وجه موسیقایی آن است. قافیه هم جزء جدائی‌ناپذیر موسیقی و وزن شعر است و هم تکمیل کننده‌ی معنای جمله. حکیمی در این قصیده به نقش موسیقایی قافیه توجه داشته است. قصیده از وحدت قافیه برخوردار است و قافیه‌های موجود پیرو ساختار خاصی است و از بندی به بند دیگر متغیر است. نظام قافیه ساختاری منظم دارد و موسیقی شعری آن گوش‌نواز و قابل لمس است. در هر صورت قافیه عنصری موسیقایی به شعر می‌دهد که نوا را تأثیرگذارتر می‌کند. اگر در میان شعر واژه‌ای سست راه یابد، ممکن است به چشم نیاید ولی اگر قافیه باشد، هرگز پنهان نمی‌ماند. (اسوار، ۱۳۸۱: ۷۹ و ۸۰) در این قصیده از ساختار یکسان قوافی چنین بر می‌آید که حکیمی خود



را مکلف به رعایت قافیه می‌داند. دو عنصر موسیقی خارجی یعنی وزن و قافیه هم، به خوبی قصیده را به سمت موسیقی داخلی دلنشین سوق می‌دهد. در بندهای این قصیده مصرع دوم در خواننده نوعی انتظار ایجاد می‌کند و مصرع چهارم این انتظار را برمی‌آورد و لذتی که خواننده به صورت ناخود آگاه از قافیه می‌برد تا حدی از این نکته سر چشمه می‌گیرد.

۴-۴-۳ وزن

وقتی مجموعه‌ای آوایی به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها و یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها از نظام خاصی برخوردار باشد، نوعی موسیقی به وجود می‌آید که آن را وزن می‌نامیم. (احمدپور، ۱۳۷۴: ۹۹) براساس اصول و وزن‌های شعرعربی این قصیده در بحر رمل (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) سروده شده است. که «این بحر از نخستین بحور عربی به شمار می‌آید». (بن‌ادریس، ۲۰۰۳: ۹۰)

۴-۴-۴ نظام واژگان

انسجام و استواری ساختمان شعر به مجموعه مفردات و تراکیب آن بستگی دارد. حکیمی در گزینش الفاظ و نحوه‌ی به کارگیری آن دقت فراوان دارد و الفاظ با مضامین مورد نظر شاعر همراه و هماهنگ است.

«هم هداة الخلق اعدال الكتاب المستنير ورعاة العدل في كل جليل او حقير»^۱

«هم لعمر الله رايات السوى صوت العدالة هم و تعليمائهم غايات اهداف الرسالة»^۲

(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۵)

^۱- آل محمد، راهنمایان خلق‌اند و انبازان کتاب فروغ بخش الهی. آل محمد، پاسداران عدالتند در هر چیز بزرگ و کوچک.

^۲- آل محمد، به بقای حق سوگند، درفش‌های داد و دادگریند و فریاد عدالت. آل محمد و تعالیم ایشان هدف نهایی رسالت هستند.



شاعر در بیت بالا برای ستایش اهل بیت از الفاظی حماسی و عاطفه برانگیز استفاده کرده است. وی واژگان خود را از حس، عاطفه و تجربه اسلامی و شیعی خود برمی‌گیرد و برای مضامینی چون حقانیت ائمه برای حکومت بر مردم، ویژگی‌های اخلاقی ایشان و نیز رد قضیه شورا از واژگانی حماسی استفاده می‌کند تا بتواند بار معنایی مضاعفی را به ذهن خواننده القا کرده، اندیشه او را با عقیده خود همسو نماید. جملات بیشتر به گونه‌ی خبری ادا شده است و این به خاطر تاکید بر اهمیت موضوعی است که شاعر از آن سخن می‌گوید. نظام واژگان ساده است و خواننده برای دریافت معانی آن‌ها نیازی به مراجعه به فرهنگ ندارد. استفاده‌ی یک شاعر غیرعرب از واژه‌های سهل ممتنع، گواه تسلط او بر زبان عربی است. فضای تفاعل بر کل قصیده حاکم بوده و متناسب با این فضا از واژه‌های مثبت استفاده شده است.



۴-۵ اسالیب بیانی

یک تصویر نمی‌تواند مفهوم تصویری خود را بازگو کند بلکه فقط آن را به نمایش می‌گذارد. در شعر نیز کم و بیش چنین است؛ کلمات و جملات در معرض نمایش قرار می‌گیرند. تشبیهات و استعارات نوعی نقاشی زبانی هستند و تماشای آنها مهم‌تر است. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۰۳) این قصیده در عین فصاحت و بلاغت از اسارت صنعت‌گری بیرون آمده است.

۴-۵-۱ تشخیص

این شعر از نظر استفاده از اسلوب‌های بیانی در سطح ممتازی قرار دارد. به طور کلی یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدان‌ها حرکت و

جنبش می‌بخشد. (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۸: ۱۴۹) حکیمی در این شعر از تشخیص بهره بسیار می‌برد و کائنات را زیبارو و شاد رخسار می‌بیند که او را بر سر نشاط می‌آورد.

«فَاعَادَتْ بِمِجَّةِ الْكُونِ نَشَاطِي وَ ارْتِيَا حِي وَرَمَتْنِي سَاهِرًا لَيْلِي مَا بَيْنَ الْاِقْحَاحِي»^۱
(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۱)

همین طور در جای دیگر مرغ چمن را مخاطب خویش قرار می‌دهد و از او سراغ سراپرده یار را می‌گیرد.

«ثُمَّ يَا طَائِرُ مَا بِالْكَ لَا تَرَوِي جَهَارًا هَذِهِ أَحْيَاءُ سَلَمِي فَأَمْلَيْنِ تِلْكَ الصَّحَارِي»^۲
(همان: ۲۸۲)

۴-۵-۲ تشبیه

در میان صور گوناگون خیال که در شعر او مشاهده می‌شود، بیشترین نوع تشبیه است. در تغزل او تصویر زیبایی از طبیعت وجود دارد که از روشنایی بالایی برخوردار است. تشبیهات حکیمی روان و قابل دسترس است.

«هُم حَيَاةُ الْعِلْمِ مَوْتُ الْجَهْلِ اِفْنَاءُ الْجِهَالَةِ هُمْ بِنَاءُ الدِّينِ جَثْمَانُ الْهُدَى شَكْلُ الدَّلَالَةِ»^۳
«هُم اَوْلَاوَالِامْرِ وَ مَعْنَى النَّصِّ فِي كُلِّ مَقَالَةٍ فَلَدِيهِمْ يُرْتَجَى فِي الدِّينِ تَنْجِيزُ الْعِدَاتِ»^۴
(همان: ۲۸۵)

همان طور که ملاحظه می‌شود، توان ذهنی شاعر در آفرینش این تشبیهات قدرتمند و پیاپی آشکار است.

^۱ - در این حال، زیبایی و شاد رخساری کائنات مرا بر سر نشاط و شادمانی آورد و مرا واداشت تا آن شب بیدار بمانم و در میان گل‌های بابونه به سر برم.

^۲ - اکنون ای مرغ چمن از چیست که آشکارا از آنان سخنی نمی‌گویی؟ این سراپرده «سلمی» است، تو این دشت‌ها را که گرداگرد خیمه یاران است، از آواز خود آکنده ساز.

^۳ - آل محمد مایه زنده ماندن علم و دانشند و مرگ جهل و نابودی جهالتند. ایشان بنای دینند و پیکره‌ی هدایت راستین دلالت.

^۴ - آل محمد اولوالامرند و صاحب اختیاران امت و منظور و مقصود از هر گفته و سفارش درباره پیشوایی و امامت. از این رو همه‌ی وعده‌های دین اسلام، در پرتو رهبری ایشان تحقق‌پذیر تواند بود.



۴-۶ اسالیب بدیعی

۴-۶-۱ تلمیح

حکیمی با شیوه‌ای استادانه از صنعت تلمیح استفاده کرده است. بیت زیر اشاره به این حدیث معروف است که امام رضا (ع) در جمع مردم نیشابور در مسیر عزیمت به طوس ایراد فرموده‌اند: «كَلِمَةُ لُأَلَهِ الْإِلَهِ اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنْ مِنْ عَذَابِي بِشْرُطِهَا وَ شَرْطِهَا وَ أَنَا مِنْ شَرْطِهَا». (مجلسی، ۱۳۹۱: ۴۹ / ۱۲۶) سخن امام بدین معنا است که توحید در صورتی مقبول درگاه خداوند است که همراه با پذیرش ولایت اهل بیت باشد.

«وَهُوَ الشَّرْطُ لِحِصْنِ اللَّهِ فِي ذَاكَ الْخُطَابِ حَيْثَمَا أُبْدِيَ نَيْشَابُورَ فِي حَشْدِ الرَّحَابِ»^۱.

(حکیمی ۱۳۹۱: ۲۶۴)



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۶

بررسی ساختاری و

محتوایی قصیده «نغمات
الاشواق» محمدرضا حکیمی

حکیمی که بر تاریخ اسلام تسلطی عمیق دارد، در جایی دیگر به خطبه غرای فاطمه زهرا(س) که آن حضرت در مسجد مدینه و در جمع مهاجرین و انصار به پشتیبانی از ولایت حضرت علی (ع) ایراد فرموده‌اند، چنین اشاره می‌کند:

«سَائِسُ الْأُمَّةِ فِي خَيْرِ نِظَامِ نَبِيِّ فِي مِثَالِ فَاطِمَى وَ قَوْمِ عَلَوَى»^۲.

(همان: ۲۸۴)

او در قسمت دیگری از این قصیده از ماجرای غدیر و انتصاب امام علی (ع) به امامت سخن می‌گوید:

«وَ بآيَاتٍ آتَتْ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ الْمُنِيرِ وَ بِنَصِّ نَبِيِّ بَانَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ»^۳.

(همان: ۲۸۵)

^۱- اوست شرط کلمه لاله الاالله در آن حدیث معروف، حدیثی که در میان توده‌های انبوه مردم در نیشابور بیان فرمودند.

^۲- اوست رهبر سیاسی امت با بهترین نظام حکومت پیامبرگونه و بهترین نمونه رهبری که حضرت زهرا در سخنرانی در مسجد مدینه بیان فرمود و بنیاد استواری که حضرت علی (ع) نهاد.

^۳- و او به خاطر آیاتی که در کتاب نورانی و محکم خدا فرود آمده است و به دلیل سخن صریح پیامبر که در روز غدیر آشکارا فرموده بود، رهبر سیاسی امت است.

۴-۶-۲ تجاهل العارف

حکیمی شاعری زیرک و هوشیار است. او که به دنبال اثبات حقانیت اهل بیت و رد خاندان اموی است، در پایان اشعارش با آوردن پرسشی خواننده را به تفکری عمیق تر فرا می خواند.

«أَيُّكُونُ ابْنُ أَبِي سَفْيَانَ لِلْحَقِّ يُرَادُ وَ يُقَادُ الْمُجْتَبَى نَحْوَ الرَّزَايَا وَ يُقَادُ»^۱
(همان: ۲۸۶)

أَيُّزِيدُ بَنُ الْمَسِيحِيَّةِ لِلدِّينِ سِنَادُ لَا الْحَسِينُ الطُّهْرُ أَوْ سَجَادُهُمْ ذَوَالثَّنَاتِ»^۲
(همان: ۲۸۶)

۵- تحلیل محتوایی

دل بستگی به باورها و نمادهای دینی و ابراز اخلاص بی شائبه به اهل بیت نبوت در قصیده حکیمی موج می زند. وی با تلفیق مضامین بدیع و لطیف، فصاحت و روانی کلام و تصویرسازی ماهرانه و تأمل برانگیز، خود را در ردیف یکی از شاعران شیعی معاصر به خوانندگان معرفی می کند.

مضامین اعتقادی و مدح و ستایش دو رکن اساسی این اشعار را تشکیل می دهند. پیوند میان شعر شیعی و آموزه های قرآنی در شعر حکیمی، روزه ای برای نشان دادن فضیلت خاندان اهل بیت است. به نظر می رسد شعر از دیدگاه ایشان ابزاری برای تعهد و رسالت دینی-مذهبی است. چنین محتوایی با مبانی فکری و اعتقادی حکیمی

^۱ - آیا معاویه پسر ابوسفیان می تواند در دین مراد و پیشوا باشد و پیوسته رهبر حق امام حسن مجتبی (ع) را به مصیبت ها درافکند و به این سو و آن سو بکشاند؟

^۲ - آیا یزید که زاده مادری نصرانی است می تواند تکیه گاه اسلام باشد؟ نه حسین پاک و مطهر، نه امام سجاد (ع) که پیشانی اش از بسیاری سجده ها چون زانوان اشتران پینه بسته بود؟
این بیت، شعر «مدارس آیات» دعبل را به ذهن متبادر می کند:

"ديار علي والحسين وجعفر وحمة والسجاد ذى الثنات" (طبييان، ۱۳۸۷: ۳۱)

این شباهت در به کارگیری واژگان، تأثیرپذیری حکیمی از شاعران بزرگ شیعه را به خوبی نشان می دهد.



کاملاً منطبق است، بدین معنا که او تنها یک چهره ادبی نیست بلکه مجتهدی توانمند در حوزه دین نیز به حساب می‌آید. سال‌ها زندگی در جوار علی ابن موسی الرضا(ع) او را شیفته ساخته است. عنصر معنوی جوهر و روح این اثر است و ارزش اثر نیز در همین عنصر نهفته است.

در این قصیده، عناصر معنوی شعر عبارتند از: دین‌گرایی، ولایت‌مداری، عشق به امام رضا، تشریح نظام سیاسی اجتماعی اسلام و نکوهش آنان که آشکارا از ولایت فرزندان علی سخن نمی‌گویند.

در شعرهای حکیمی نوعی گرایش به دین و ائمه وجود دارد که با اندیشه‌ای نه چندان پیچیده و با ایضاح بیان می‌شود. در این قصیده حرکتی تدریجی در جهت شناساندن جنبه‌های سیاسی و اجتماعی امام رضا صورت گرفته است. انسجام اندیشه حکیمی در تمامی بندهای این قصیده به وضوح مشخص است.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۸

بررسی ساختاری و
محتوایی قصیده «نغمات
الاشواق» محمدرضا حکیمی

۵-۱ دین‌گرایی

نکته قابل توجه در این چکامه غلبه عنصر دین است. حکیمی بارها از مضامینی چون «آل یس»، «آل محمد»، «لا اله الا الله» و ولایت فرزندان محمد(ص) سخن به میان آورده است. اگرچه این عبارات و ترکیب‌ها پیش از این در شعر دیگر شاعران نیز به کار رفته است، اما میزان توانایی شاعر در طرز قراردادن آنها در زمره‌ی اجزای جمله قابل توجه است:

«أَنْجَمٌ دَرِيَّةٌ مِنْ آلِ يَسٍ وَ طَاهَا كَلِّهْمُ وَاسِطَةُ الْفَيْضِ وَ نَامُوسُ الْحَيَاةِ»^۱
(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۲)

^۱ - ستارگان درخشان آل طه و یس که همه واسطه فیض ازبند و ناموس هستی.

تأثیرپذیری حکیمی از آیات و روایات کاملاً مشهود است. شعر او بر مدار حقیقت می‌چرخد و برخاسته از تجربه دینی و حقیقی است.

"و بآیاتِ آت فی مُحکمِ الذِّکرِ المنیرِ و بنصِّ نبویِّ بان فی یومِ الغدیرِ"^۱
(همان: ۲۸۵)

۲-۵ ولایت مداری

پس از دین‌گرایی نکته قابل توجه در این قصیده بحث ولایت است؛ جلوه‌های فرهنگ علوی در شعر وی بارز است. او به زیبایی اما به صورت ضمنی به جریان «تقیفه» پس از وفات پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که پیامبر از همان ابتدای رسالت، ولایت علی (ع) و فرزندان‌شان را مطرح نموده‌اند و راه را بر هرگونه بهانه جویی بسته‌اند. عبارات مذهبی و شیعی حکیمی از هماهنگی لفظی و معنایی برخوردارند و دستاورد مطالعات عمیق و دامنه‌دار او در این وادی به شمار می‌آیند.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۱۹

بررسی ساختاری و
محتوایی قصیده «نغمات
الاشواق» محمدرضا حکیمی

«و تجلّی فی مرایا عالم الامرِ اعتلاها سیمّا حیثُ بدا فی مبتداهَا منتهاها^۲
أنجمٌ دریةً من آل یس و طاهَا کلّهم واسطة الفیض و ناموس الحیاة».^۳
(همان: ۲۸۲)

سپس به بیان تفاوت ائمه اطهار با انسان‌های عادی می‌پردازد و آنان را بهانه خلقت آدم می‌داند. او بر این اعتقاد است که در روز قیامت، تنها پناهندگان به حریم امن ولایت ایشان امید به رستگاری دارند.

«و بهم آدمٌ قد نال بتکریم السجودِ و بهم تُرجی نجات الخلق فی یومِ الوردِ»^۳
(همان: ۲۸۳)

^۱ - و آیاتی که در کتاب نورانی و محکم خدا فرود آمده است و نص پیامبر که در روز غدیر آشکارا گفته شد.
^۲ - و در آئینه‌های جهان باطن، بلندی و عظمت آن نمودار گردید، به ویژه آنکه در آغاز کار، نقطه منتهی آشکار شد.
^۳ - از فرخندگی آنان بود که آدم به کرامت سجود ملائکه مکرم گشت و نجات مردمان در روز قیامت به واسطه وجود ایشان امید می‌رود.

۳-۵ کثرت علاقه به امام رضا(ع)

«عاطفه یا احساس، زمینه درونی و معنوی شعر است، به اعتبار کیفیت برخورد با جهان خارج و حوادث پیرامونش». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۷) در این قصیده عاطفه و تخیل حکیمی در زبانی آهنگین شکل یافته و در خدمت بیان ایدئولوژی شیعی قرار گرفته است. تخیل مذهبی موجود در این شعر به پشتوانه ارادت و علاقه او به امام رضا(ع) قوی است و بار عاطفی بالای قصیده، تخیل خواننده را همگام با شاعر به جنبش وامی دارد.

«و هو فی منظومه الكونِ غدا شمسَ الشَّموسِ و بإذنِ اللهِ قد أصبحَ ربَّ الكائناتِ»^۱

(حکیمی، ۲۸۳: ۱۳۹۱)

۴-۵ تشریح نظام سیاسی و اجتماعی اسلام

شاعر در این قصیده با برشمردن صفات ائمه به تشریح نظام سیاسی و اجتماعی اسلام می‌پردازد و بیان می‌دارد که حکومت حق ائمه است و این خلفا بودند که به ایشان مجال رهبری سیاسی و اجتماعی دادند. این دو بیت منتهی‌الیه حد شناخت تاریخی و مطالعات حکیمی پیرامون تاریخ صدر اسلام است و تمام عناصر و اجزای آن با تاریخ شیعه همخوانی دارد.

«حاكمٌ في كلِّ ذي حَقٍّ بتشريعِ سويٍّ^۲ مثل ما قد جاء في القرآن من وحي سَنِيٍّ»^۳

(همان: ۲۸۳)

«ذلكم هجُ ولاة الحَقِّ اولادِ النبيِّ^۳ لا، ولا ذاك اللذي جاء به اهلُ الهناتِ»^۳

(همان: ۲۸۴)

^۱- اوست که خورشید همه خورشیدهاست، در منظومه بزرگ جهان هستی. و او به اذن خدا، پرورنده همه کائنات است.
^۲- اوست که درباره هر صاحب حقی، بر پایه شریعت مساوات جوی اسلام حکم می‌کند، آنگونه که در قرآن فرود آمده است.
^۳- آری این است راه و روش پیشوایان حق، فرزندان پیامبر. نه آن روش که خطاپیشگان پی نهادند.



۵-۵ نکوهش آنان که آشکارا از ولایت فرزندان علی سخن نمی‌گویند.

این یک اصل اساسی است که اگر مسأله‌ای از سوی نخبگان و برگزیدگان جامعه تأیید و تبیین نگردد، پذیرش آن از سوی متن جامعه دشوار خواهد بود. حکیمی بر این اعتقاد است که آشکارکردن ارادت به ولایت اهل بیت باعث می‌شود که شب‌های تاریک به روز روشن تبدیل گردد و بسیاری از نقاط مبهم و ناپیدا عیان شود.

«ثُمَّ يَا طَائِرُ مَا بِالْكَ لَا تَرَوِي جِهَارًا هَذِهِ أَحْيَاءُ سَلْمَى فَاْمَلْنَن تَلِك الصَّحَارَى
بِهْدِيرِ ذِي شَجُونٍ مِثْلَ مَا يُلْهِي الْعَذَارَى»^۱.

(همان: ۲۸۲)

۵-۶ تجلی تمام صفات پیغمبران در امام رضا (ع)

حکیمی در بخشی از چکامه به این اعتقاد شیعیان اشاره می‌کند که ائمه اطهار از تمام پیغمبران پیش از خود به جز حضرت محمد(ص) بالاتر هستند و تمامی صفات پیامبران پیشین در وجود آنان متبلور شده است. وحدتی که میان معانی این ابیات و ابیات پیشین این قصیده برقرار است، در راستای باورهای اعتقادی شیعه قرار دارد.

«بَاسِطُ الْأَنْوَارِ فِي مَجَلَى الْمَرَائِي وَالْعُكُوسِ وَمُرَبِّ جَوْهَرِيٍّ لِلْعُقُولِ وَالنَّفُوسِ»^۲

(حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۸۳)

«و خَلِيلُ الْبَيْتِ مُوسَى الطُّورِ اَدْرِيسُ الدَّرُوسِ حَشْمَةُ أ... سَلِيمَانُ الْعَلَا سُلْطَانُ طُوسِ
وَهُوَ فِي مَنْظُومَةِ الْكُونِ غَدَا شَمْسَ الشَّمُوسِ»^۳.

(همان: ۲۸۳)

^۱- اکنون ای مرغ چمن، از چیست که آشکارا از آنان سخنی نمی‌گویی؟ این سراب‌ده «سلمی» است، تو این دشت-ها را که گردگرد خیمه یاران است، از نواهای دل‌نشین و سوزناک؛ نواهایی که دوشیزگان را بی‌خوابی می‌سازد، آکنده ساز.

^۲- اوست آن گسترده‌ی نور الهی در همه مظاهر و نقش‌های عالم وجود. اوست پرورش‌دهنده و به فعلیت درآورنده‌ی کمالات جوهری (صورت نوعیه) عقل‌ها و جان‌ها.

^۳- اوست ابراهیم خلیل در خانه کعبه، موسای کلیم در کوه طور و ادریس آموزنده علوم اسرار. اوست سلیمان حشمت‌ا...، اوست سلطان طوس. و او خورشید همه خورشیدها در منظومه بزرگ جهان هستی است.



۶- نتیجه

پس از تحلیل ساختاری و محتوایی چکامه‌ی «نغمات الاشواق» حکیمی نتایج زیر به دست آمد:

۱- این قصیده از وحدت موضوع و اندیشه برخوردار است و شاعر با به‌کارگیری ترفندهای وحدت آفرینی از قبیل انسجام دستوری و واژگانی، بر یکپارچگی متن افزوده است. نظام واژگان ساده و به صورت خبری برای تاکید بر معانی موجود در متن به کار گرفته شده است.

۲- شاعر از آغاز تا انجام این قصیده به طور کامل به عروض عربی پایبند است و قافیه‌های شعری او از ساختار خاصی پیروی می‌کند. قصیده موزون و مقفی است و در آن از تکرار که خود از عوامل ایجاد موسیقی به شمار می‌رود، بهره گرفته شده است.

۳- شاعر برای به تصویر کشیدن تجارب شعری خویش از آیات قرآنی، احادیث و شعر شاعران پیشین بهره می‌برد و در بسیاری از ابیات، کلام خود را به آیات و احادیث زینت می‌بخشد.

۴- قصیده نغمات الاشواق با توجه به این که نمونه بارزی از باورها و فرهنگ شیعی مردم ایران را به نمایش می‌گذارد، از ویژگی جاودانگی برخوردار است.

۵- حکیمی در این قصیده به تبیین مضامین برخاسته از احساسات دینی و شیعی حاکم بر جامعه خود می‌پردازد و مفاهیم و اصطلاحات دینی به ویژه مفاهیم مرتبط با ائمه اطهار را در شعر خود بازگو می‌کند.

۶- شیوه حکیمی در خلق تصاویر جذاب که گاه واقع بینانه می‌نماید و گاه خیالی، بسیار دقیق و هنرمندانه است.



۷- حکیمی افکار خویش و عناصر خیال را در راستای هدف شعری خود که همان بیان حقانیت ائمه و مدح ایشان است، به کار می‌گیرد و این کار را با چنان ظرافتی انجام می‌دهد که تشخیص آن در نگاه اول دشوار به نظر می‌رسد.

کتابنامه

- ❖ احمدپور، علی، (۱۳۷۴)، رمز و رمز گرایبی در شعر اخوان، مشهد، ترنج.
- ❖ اسوار، موسی، (۱۳۸۱)، از سرود باران تا مزامیر گل سرخ؛ پیشگامان شعر امروز عرب، تهران، سخن.
- ❖ بن ادریس، عمر خلیفه، (۲۰۰۳)، فی العروض و القافیة؛ درسه حول الشعر العمودی والشعر التفعیلی، بنغازی، جامعة قاربونس.
- ❖ حکیمی، امیرمهدی، (۱۳۹۱)، ساحل خورشید (دفتر شعر محمدرضا حکیمی)، تهران، الحیاة.
- ❖ شفیع‌کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، تهران، آگاه.
- ❖ شفیع‌کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی، تهران، سخن.
- ❖ شفیع‌کدکنی، (۱۳۸۸)، صورخیال در شعر فارسی، تهران، آگاه.
- ❖ شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، نقد ادبی، تهران، توس.
- ❖ شمیسا، سیروس، (۱۳۸۸)، انواع ادبی، چاپ هشتم، تهران، فردوس.
- ❖ طیبیان، حمید، (۱۳۹۲)، برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی، تهران، امیرکبیر.
- ❖ طیبیان، حمید، (۱۳۸۷)، گزینه متون نظم و نثر از مجانی الحدیثه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ❖ عابدین، ابراهیم، (۱۹۹۱)، الادب والنصوص، الكويت، الوزارة التربوية الكويتية.
- ❖ عرفان، حسن، (۱۳۸۳)، ترجمه و شرح جواهر البلاغه، ج ۲، قم، بلاغت.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۲۳

بررسی ساختاری و
محتوایی قصیده «نغمات
الاشواق» محمدرضا حکیمی

- ❖ مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۱ هـ ق)، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامی.
- ❖ هلال، ماهر مهدی، (۱۹۸۰)، جرس اللفاظ و دلالاتها فی البحث البلاغی و النقدی عند العرب، بغداد، دار الرشید.
- ❖ همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، موسسه نشر هما.
- ❖ وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۶۷)، وزن و قافیه شعر فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ❖ یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.



دوفصلنامه ادبیات شیعه

۲۴

بررسی ساختاری و
محتوایی قصیده «نغمات
الاشواق» محمدرضا حکیمی

دو فصلنامه ادبیات شیعه

سال دوم، شماره سوم

بهار و تابستان ۹۳

صفحات ۸۷-۱۰۶



دو فصلنامه ادبیات شیعه

۲۵

بازتاب حماسه و
جریان غدیر در شعر
شاعر مسیحی ...